

## بررسی و ارزیابی اثرات شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستائی

### نمونه موردی: شهرستان بابل

سید حسن مطیعی لنگرودی\* - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

علی اکبر نجفی کانی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستائی، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۸۵/۲/۲۵

تأیید نهایی: ۸۶/۹/۱

### چکیده

صنعتی شدن به عنوان یک تصمیم سرنوشت‌ساز برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال رشد، ضرورتی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار نماید. امروزه پرواضح است که صنعتی شدن به عنوان عاملی است که اثرات آن در همه بخش‌ها بویژه در بخش اقتصادی احساس شده و باعث تحرک قسمت زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می‌شود. براین اساس در دو دهه اخیر استقرار صنایع در روستا در قالب شهرک ها و نواحی صنعتی با هدف دستیابی به توسعه روستائی مورد توجه برنامه ریزان و مسئولان ذیربط قرار گرفت. در این تحقیق به منظور بررسی و ارزیابی اثرات و پیامدهای شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستائی، هشت روستا (که در این بین چهار روستا دارای صنایع و چهار روستا فاقد صنایع هستند) در شهرستان بابل به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. نتایج حاصل از تحقیق که با استفاده از تجزیه و تحلیل آماری (آمار پارامتری و ناپارامتری) بدست آمده، حاکی از آن است که در دو دسته جامعه نمونه اکثر شاخص های توسعه اعم از الگوی مصرف (خوراک، پوشاک و کالاهای مصرفی)، مسکن، بیمه، رضایت و امنیت شغلی، آموزش، انگیزه ماندگاری در روستا تفاوت معناداری را نشان می دهند.

**واژگان کلیدی:** صنعت، صنایع روستائی، شهرک های صنعتی، نواحی صنعتی، توسعه اقتصادی و اجتماعی

### مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منظور نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی به خصوص در نواحی روستائی روش های مختلفی را تجربه نمودند که این روش ها تحت عنوان راهبردهای توسعه شناخته می شوند. یکی از راهبردهای مهم توسعه، صنعتی سازی است که در دهه های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ راهبرد غالب توسعه محسوب می شد. ناتوانی اقتصاد روستا و کشاورزی در جذب نیروی بیکار و تأمین معاش روستائیان باعث شد تا متولیان توسعه روستائی در برنامه های خود سیاست های جدیدی را با هدف گسترش صنعت در روستا و استفاده از فن آوری مناسب به صورت غیر

\*E-mail: [shmotiee@ut.ac.ir](mailto:shmotiee@ut.ac.ir)

متمرکز بکار گیرند و این امر از اواسط دهه ۱۹۶۰ با تأکید بر صنایع کوچک روستایی شروع شد. نتایج حاصل از سه دهه اجرای این راهبرد در برخی از کشورهای در حال توسعه حاکی از موفقیت آن در جهت نیل به اهداف توسعه روستایی بوده و در حال حاضر به عنوان یکی از راهبردهای مهم، مورد توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه می باشد. یکی از سیاست های اساسی دولت ایران در توسعه روستایی تنوع بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری، کاهش نابرابری های فضایی بین مناطق شهری و روستایی است که این اهداف کلی در قالب برنامه ها و طرح هایی تدوین شده و به صورت هدایت شده در بخش های مختلف کشور بویژه در نواحی روستایی در حال اجراست. در این زمینه گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند صنعتی شدن روستایی در چارچوب طرح جامع ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت ها با سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل بین منطقه ای امری اجتناب ناپذیر در فرایند توسعه اقتصادی است. با عنایت به این مهم، در دو دهه اخیر استقرار صنایع در روستا در قالب شهرک ها و نواحی صنعتی در دستور کار مسئولان و برنامه ریزان کشور قرار گرفته است.

#### بیان مسأله

صنایع روستایی به دلیل ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جامعه روستایی بویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکمفرماست از اهمیت به سزایی برخوردار است. مسائل و مشکلات زیستی، اختلاف درآمد و سطح زندگی بین جوامع شهری و روستایی که از عوامل مهم مهاجرت های روستایی - شهری است، بسیاری از برنامه ریزان را به اتخاذ استراتژی های جدید توسعه روستایی بویژه صنعتی کردن روستاها واداشت. بنابراین باید به متنوع سازی اقتصاد روستایی و کارا نمودن آن از طریق ایجاد انواع فعالیت های اقتصادی به خصوص صنعتی کردن روستاها توجه نمود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۵۲).

نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری برای مناطق محروم روستایی محسوب می گردد (طاهرخانی، ۱۳۸۰، ۳۴). براساس این دیدگاه صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت های غیرکشاورزی عاملی در افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوارهای روستایی محسوب می شود. تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می تواند دارای اثرات تکاثری باشد، به طوریکه تجربیات کشورهای متعدد نشان می دهد هر تغییری ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد می کند بلکه منجر به اقتصاد خود رانشی می شود (میسرا، ۱۷، ۱۹۹۰). بر این اساس صنعتی شدن می تواند نقش بسیار مهمی در توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره وری، ایجاد فرصت های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش های اقتصادی ایفا نماید. از اینرو سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که نقش و جایگاه شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ناحیه مورد مطالعه چیست؟ لذا با عنایت به سوال اصلی این تحقیق فرضیه ای به شرح زیر مطرح شده که نگارندگان سعی در اثبات آن دارند:

«بین استقرار شهرک‌ها و نواحی صنعتی روستایی با تغییرات شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و ارتقاء کیفی زیستی و افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان در شهرستان بابل رابطه معنی‌داری وجود دارد».

#### روش‌ها و فنون اجرای تحقیق

در این تحقیق از روش‌های پیمایش (با استفاده از پرسشنامه) و روش توصیفی - تحلیلی به منظور بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی استفاده شده است، به نحوی که از طریق تجزیه و تحلیل آماری (آمار پارامتری و ناپارامتری) میزان اثرگذاری شهرک‌ها و نواحی صنعتی در مناطق روستایی تبیین گردید. جامعه آماری مورد مطالعه مشتمل بر خانوارهای روستایی است که در چهار روستای پیرامونی نواحی صنعتی (روستاهای دارای صنایع) و چهار روستای مشابه که در خارج از حوزه نفوذ شهرک‌ها و نواحی صنعتی (روستاهای فاقد صنایع) هستند، انتخاب شدند (نقشه شماره ۱). نمونه آماری این تحقیق شامل ۱۲۵ نفر از سرپرستان خانوارهای روستایی هستند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه‌ها در روستاهای مذکور انتخاب شده و سپس خانوارهای روستایی نیز به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده تعیین شدند.

مهمترین آزمون‌های مورد استفاده در آمار توصیفی شامل فراوانی‌ها و میانگین‌ها بوده و در آمار استنباطی نیز از تحلیل واریانس (آزمون F/ دانکن) و آزمون T استفاده شده است که همگی جزء آمار پارامتری محسوب می‌شوند. در آمار ناپارامتری نیز آزمون من وایتنی مورد استفاده قرار گرفت.

#### اهمیت صنعتی شدن روستا

بدون تردید صنعتی شدن یک تصمیم سرنوشت‌ساز در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم است و ضرورتی غیر قابل انکار می‌باشد (حیدری، ۱۳۸۱، ۱۴۲). اثرات صنعتی شدن در همه بخش‌های اقتصادی احساس شده و باعث تحریک قسمت زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می‌شود (کاسترو، ۱۳۶۵، ۱۲۹). به عبارت دیگر صنعتی شدن به عنوان ابزار ایجاد رشد سریع اقتصادی و توسعه اجتماعی کشورهای در حال توسعه می‌باشد و صنعتی شدن روستایی به عنوان قسمتی از سیاست توسعه همه جانبه روستایی که قادر است هم با ایجاد فرصت‌های شغلی و هم با تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی گامی در جهت توسعه روستایی باشد، معرفی شده است. لذا کوشش برای تمرکززدایی پاره‌ای از صنایع به خصوص صنایع تبدیلی جهت استفاده بهینه از منابع محلی برای افزایش تولید و مصرف در ابعاد محلی حرکتی ضروری جهت حصول به توسعه روستایی است. این حرکت در بلندمدت ضمن ایجاد اشتغال به توزیع درآمد و تولید پایدار نیز مساعدت می‌نماید. (یونیدو، ۱۹۷۹، ۱۷)

صنعتی شدن از چنان اهمیتی برخوردار است که تحقق پیشرفت‌های فنی و کاربرد آن در صنعت در طی سه قرن اخیر دلیل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته در جهان امروز است. کشورهای توسعه یافته هر کدام با فاصله زمانی متفاوت به مرحله صنعتی شدن رسیده و ناگهان پس از رسیدن به این مرحله خیزش بزرگ خود را در توسعه اقتصادی آغاز نمودند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸، ۶۲). به طوریکه آنچه که اکنون سبب تفاوت در درجه توسعه یافتگی کشورهای جهان گشته، میزان فعالیت‌های صنعتی این کشورها و توان نیروی کار آنها در ارتقاء

کمی و کیفی تولیدات می باشد و مقایسه کشورهای مختلف جهان در چند دهه اخیر از لحاظ درجه توسعه یافتگی کاملاً بیانگر ادعای مذکور است (یونیدو، ۲۰، ۱۹۹۱). علاوه بر موارد مذکور صاحب نظران زیادی به اهمیت صنایع روستایی اشاره نموده که به بررسی چند مورد از آنها می پردازیم:

ام. تی. هاگک ضمن تحلیل فرایند توسعه روستایی بر این باور است که در امتداد با دیگر بخش های اقتصادی و اجتماعی، صنعت باید به عنوان مهم ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفته شود. ماهیت و الگوی صنعتی شدن چه در ابعاد کوچک مقیاس، و یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ مقیاس تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه ای است. هاگک تصریح می کند که صنعتی شدن ضمن ایجاد مهارت های جدید و ایجاد هماهنگی موجب شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی است (هاگک، ۱۹۷۹، ۵۱۰۷).

یو. سی. نایاک ضمن تحلیل روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه معتقد است که ارائه طرح های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها غالباً با شکست روبرو شده اند. از نظر وی تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق روستایی ایجاد فرصت های شغلی است و برنامه ریزی جهت استقرار صنعت در مناطق روستایی می تواند ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق سازد. (نایاک، ۱۹۹۴، ۲۱۹). دیوید راجرز با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک ها و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان می دهد که صنعتی شدن روستایی منافع وسیعی را برای اجتماعات مورد مطالعه در برداشته به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها شده است (راجرز، ۱۹۷۸، ۲۵۰).

جی. آبراهام نیز با بررسی الگوی صنعتی شدن روستایی هند معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی توانسته نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال و درآمد داشته باشد. صنعتی شدن روستایی با استفاده از منابع محلی سبب تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع بوده و پلی است که پیوند بین مناطق شهری و روستایی ایجاد می کند و در واقع اختلاف زندگی در نواحی شهر و روستا کاهش می یابد (آبراهام، ۱۹۹۴، ۶۲۴).

جی. تی. شای با بررسی سیاست های توسعه روستایی در کشور تایوان ظهور تخصص گرایی، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیرکشاورزی را از اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی می داند. (شای، ۱۹۸۵، ۱۹۵).

بر این اساس باید اذعان داشت که امروزه صنعت به عنوان اصلی ترین ابزار در توسعه و به خصوص توسعه مناطق عقب مانده نقش محوری را به خود اختصاص داده است. این نقش شاید برخاسته از این واقعیت است که عوامل تولید در بخش صنعت در مقایسه با کشاورزی قابلیت جابجایی و انعطاف پذیری بیشتری با شرایط، اوضاع و احوال محیطی - منطقه ای و ملی دارد. به همین دلیل قطب های توسعه به خصوص در کشورهای جهان سوم و خاصه در مناطقی که فاقد پتانسیل مناسب جهت توسعه کشاورزی هستند، بر مبنای صنعت استوار می شوند. اما به رغم نقش و اهمیت این بخش در توسعه مناطق عقب مانده، بسیاری از دولت ها در کشورهای جهان سوم به دلیل تمرکز در تصمیم گیری و سیاست گذاری، بیشتر به رشد ملی توجه دارند تا به توسعه یکپارچه منطقه ای و به همین دلیل برنامه های پنجساله تهیه شده در این کشورها همواره بر میزان نرخ رشد تأکید کرده و برنامه ها و فعالیت ها را در راستای دستیابی به نرخ فوق تنظیم و اجرا می کنند. بررسی وضعیت صنعتی در این کشورها نشان دهنده این واقعیت است که صنایع عمدتاً در چند قطب توسعه متمرکز شده

و مابقی مناطق در واقع از لحاظ صنعتی به طور عقب‌مانده رها شده‌اند. این روند نهایتاً منجر به توسعه بیشتر مناطق توسعه یافته و عقب‌ماندگی بیشتر مناطق عقب‌مانده می‌گردد و شکاف بین مناطق را افزایش می‌دهد. بر این اساس به منظور جلوگیری از رشد ناموزون باید توجه بیشتری به صنعت نمود، به نحوی که صنعت به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت جابجایی عوامل تولیدی آن، می‌تواند به عنوان اهرمی در جهت توسعه مناطق عقب‌مانده مورد استفاده قرار گیرد (کلانتری، ۱۳۸۰، ۵۷).

کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه برای تقویت ساختاری خود باید صنایع روستایی را توسعه دهد زیرا که این دسته از صنایع در توسعه و رشد مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا از اهمیت زیادی برخوردارند، به طوریکه رشد و توسعه بخش کشاورزی افزایش درآمد و سطح رفاه روستائیان، کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر و استفاده بهینه از منابع موجود در منطقه را به ارمغان خواهد آورد. ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی کشور و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی وسیع و همه‌جانبه و در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور می‌باشد.

#### قلمرو جغرافیائی شهرک‌ها و نواحی صنعتی در شهرستان بابل:

شهرستان بابل دارای سه شهرک و دو ناحیه صنعتی است که در این بین فقط شهرک صنعتی منصورکنده که در سال ۱۳۸۳ به تصویب هیات دولت رسیده است فعال نبوده و هنوز قراردادی جهت راه اندازی واحدهای تولیدی آن منعقد نشده است. با این همه امکانات زیربنائی آن کاملاً پیش بینی شده و در آینده نزدیک راه اندازی خواهد شد. حال به منظور شناخت بیشتر، هر یک از شهرک‌ها و نواحی صنعتی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

##### ۱- شهرک صنعتی بندپی شرقی:

شهرک صنعتی بندپی در بخش بندپی شرقی و در کنار روستاهای کاشی کلا و صورت واقع است. این شهرک با مساحتی معادل ۱۱۰ هکتار در سال ۱۳۷۱ به تصویب هیات دولت رسیده و تاکنون حدود ۵۴ درصد اراضی آن به سرمایه گذاران واگذار شده است. تعداد قراردادهای منعقد شده در این شهرک که بزرگترین شهرک صنعتی شهرستان بابل محسوب می‌شود، حدود ۶۵ فقره و با ظرفیت اشتغال ۱۷۰۰ نفر می‌باشد. اما تاکنون فقط ۲۲ واحد تولیدی در این شهرک با ظرفیت اشتغال ۷۳۳ نفر به بهره برداری رسیده است. (وب. شرکت شهرکهای صنعتی مازندران، ۱۳۸۵).

##### ۲- شهرک صنعتی بابلکنار:

این شهرک صنعتی در بخش بابلکنار و در نزدیکی روستای درازکلا واقع است. شهرک مذکور با مساحتی معادل ۳۸/۵ هکتار در سال ۱۳۶۸ به تصویب هیات دولت رسیده و حدود ۵۶ درصد اراضی آن به سرمایه گذاران واگذار شده است. تعداد قراردادهای منعقد شده در این شهرک ۴۲ فقره و با ظرفیت اشتغال ۱۴۲۴ نفر می‌باشد، اما تاکنون ۲۳ واحد تولیدی با ظرفیت اشتغال ۹۷۵ نفر به بهره برداری کامل است. (وب. شرکت شهرکهای صنعتی بابل، ۱۳۸۴).

## ۳- ناحیه صنعتی کاردیگلا:

این ناحیه صنعتی در بخش بندپی غربی و در کنار روستای کاردیگلا قرار دارد. این ناحیه با مساحتی معادل ۵/۵ هکتار دارای ۱۳ واحد تولیدی است که در این بین ۷ واحد تولیدی به بهره برداری رسیده است. مقوا سازی، آلومینیوم سازی، انواع کفش پلاستیکی، کپسول آتش نشانی و بسته بندی مواد غذایی از واحدهای تولیدی فعال این ناحیه صنعتی می باشند. در این ناحیه صنعتی امکانات زیربنایی از قبیل آب، برق، مخابرات موجود بوده و لی در زمینه شبکه جمع آوری فاضلاب و توسعه فضای سبز اقدام شایسته و بایسته ای صورت نگرفته است. ساخت این ناحیه صنعتی در سال ۱۳۷۲ شروع شده و در سال ۱۳۷۹ به بهره برداری رسیده است. ظرفیت اشتغال این مجموعه حدود ۲۱۰ نفر پیش بینی شده است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴).

## ۴- ناحیه صنعتی درونکلای شرقی:

این ناحیه صنعتی در بخش بابلکنار و در نزدیکی روستای درونکلای شرقی واقع است و مساحت آن نیز حدود ۹ هکتار می باشد. تاکنون برای ۸ واحد تولیدی آن مجوز صادر شده که در این میان فقط ۲ واحد تولیدی به بهره برداری رسیده است. در این ناحیه ۱۸ واحد تولیدی دیگر توسط سرمایه گذاران در دست ساخت است. گفتنی است که ساخت ناحیه مذکور در سال ۱۳۷۴ شروع شده و در سال ۱۳۸۲ به بهره برداری رسیده و ظرفیت اشتغال آن ۳۶۰ نفر پیش بینی شده است. (جدول ۱)

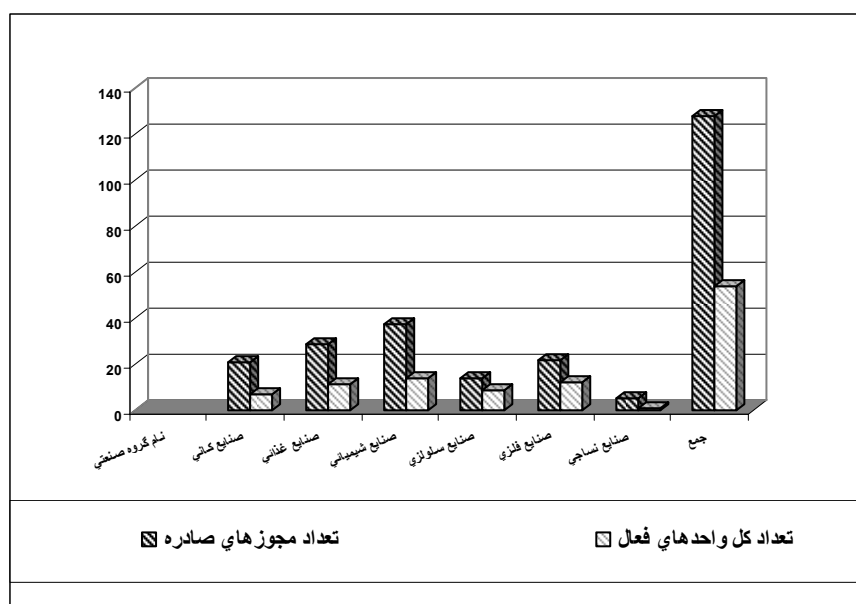
جدول ۱- مشخصات شهرک ها و نواحی صنعتی در حال بهره برداری و در دست مطالعه در شهرستان بابل

عنوان	محل اجرا در بخش و روستا	وضعیت	ظرفیت اشتغال (نفر)	مساحت
شهرک های صنعتی	بابلکنار (درون کلا)	در حال بهره برداری	۳۶۰	۳۸/۵
	بندپی شرقی (کاشی کلا و صورت)	در حال بهره برداری	۱۷۰۰	۱۱۰
	مرکزی (منصورکنده)	در دست مطالعه	-	۳۸
نواحی صنعتی	بابلکنار (دراز کلا)	در حال بهره برداری	۹۷۵	۹
	بندپی غربی (کاردیگلا)	در حال بهره برداری	۲۱۰	۵/۵

ماخذ: شرکت شهرک های صنعتی استان مازندران، ۱۳۸۴ و سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران، ۱۳۸۴

در مجموع حدود ۱۲۸ واحد تولیدی در چهار شهرک و نواحی صنعتی این شهرستان وجود دارد که در این بین ۵۴ واحد صنعتی به بهره برداری کامل رسیده و بقیه در دست اجرا است. در میان واحدهای تولیدی فعال ۷ واحد تولیدی جزء صنایع کانی یا معدنی، ۱۱ واحد تولیدی جزء صنایع غذایی، ۱۴ واحد تولیدی جزء صنایع شیمیایی، ۹ واحد تولیدی جزء صنایع سلولزی، ۱۲ واحد تولیدی جزء صنایع فلزی و ۱ واحد تولیدی جزء صنایع نساجی می باشند. در بین شهرک ها و نواحی صنعتی ناحیه مورد مطالعه، شهرک صنعتی بندپی و بابلکنار هر کدام به ترتیب دارای ۶۵ و ۴۲ واحد

تولیدی هستند که در این میان ۲۲ واحد تولیدی در شهرک صنعتی بندپی و ۲۳ واحد تولیدی در شهرک صنعتی بابلکنار فعال هستند. در صورتیکه نواحی صنعتی کاردیکلا و درونکلای شرقی هرکدام به ترتیب دارای ۱۳ و ۸ واحد تولیدی هستند که در ناحیه صنعتی کاردیکلا ۸ واحد تولیدی و در ناحیه صنعتی درونکلای شرقی فقط ۲ واحد تولیدی فعال است. تعداد شاغلین بخش صنعت در شهرک های صنعتی به مراتب بیشتر از نواحی صنعتی است و مهم ترین ویژگی های واحدهای تولیدی به تفکیک گروههای صنعتی در جدول ۲ و نمودار زیر نشان داده شده است.



شکل ۱- تعداد واحدهای تولیدی فعال و مجوزهای صادره در شهرکها و نواحی صنعتی بابل

جدول ۲- تعداد واحدهای تولیدی مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی شهرستان بابل

کل واحدهای فعال	مجوزهای صادره	ناحیه صنعتی درونکلاهی شرقی		ناحیه صنعتی کاردیگلا		شهرک صنعتی بندپی شرقی		شهرک صنعتی بابلکنار		نوع صنایع	ردیف
		واحدهای فعال	کل واحدها	واحدهای فعال	کل واحدها	واحدها فعال	تعداد کل واحدهای تولیدی	واحدهای فعال	کل واحد تولیدی		
۷	۲۱	۱	۱	-	۱	۱	۷	۵	۱۲	صنایع کانی	۱
۱۱	۲۹	-	۳	۱	۱	۶	۱۵	۴	۱۰	صنایع غذایی	۲
۱۴	۳۷	-	۲	۳	۴	۳	۱۷	۸	۱۴	صنایع شیمیائی	۳
۹	۱۴	۱	۲	۲	۲	۳	۷	۳	۳	صنایع سلولزی	۴
۱۲	۲۲	-	-	۱	۴	۹	۱۶	۲	۲	صنایع فلزی	۵
۱	۵	-	-	-	۱	-	۳	۱	۱	صنایع نساجی	۶
۵۴	۱۲۸	۲	۸	۷	۱۳	۲۲	۶۵	۲۳	۴۲	جمع	

ماخذ: شرکت شهرک های صنعتی استان مازندران، ۱۳۸۴



## پیامدهای اقتصادی شهرک‌ها و نواحی صنعتی روستایی

بدون تردید ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد روستاییان و کاهش فاصله زندگی بین ساکنان شهر و روستا از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری شهرک‌ها و نواحی صنعتی روستایی است. تأثیر ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی روستایی در ایجاد اشتغال و افزایش درآمد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مؤثر می‌باشد. در شهرک‌ها و نواحی صنعتی تعدادی از روستاییان یا به صورت سرمایه‌گذار و یا به صورت اشتغال در کارگاه‌ها به درآمدهای جدیدی دست می‌یابند. بر این اساس شهرک‌ها و نواحی صنعتی با کشش درآمدی بالاتر باعث جذب نیروی کار مازاد روستایی می‌شوند. (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴، ۱۳۸-۱۴۲). اثرات درآمدزایی که یکی از اهداف مهم استقرار صنایع در نواحی روستایی است در ابتدا در بهبود الگوی مصرفی اعم از کالای مصرفی بادوام، میزان مصرف مواد غذایی، پوشاک و مانند آن متجلی می‌گردد. به نحوی که تحلیل آماری استخراج شده از پرسشنامه نشان می‌دهد سطح اقتصادی روستاهای دارای صنایع نسبت به روستاهای فاقد صنایع بالاتر است. براساس مطالعات انجام شده و با مقایسه روستاهای دارای صنایع و روستاهای فاقد صنایع مشخص شد که در روستاهای دارای صنایع نه تنها میزان بیکاری بسیار کمتر است بلکه میزان درآمد، میزان پس‌انداز و میزان هزینه خانوارهای روستایی به مراتب بالاتر می‌باشد (جدول ۳). در ضمن برای مشخص شدن میزان اثرگذاری شهرک‌ها و نواحی صنعتی در درآمد و هزینه خانوار در روستاهای دارا و فاقد صنایع از آزمون  $t$  استفاده شده و برای مقایسه هشت روستای مورد مطالعه از نظر درآمد و هزینه خانوار نیز از آزمون  $f$  / دانکن استفاده گردید (جدول ۴، ۶۰۵).

جدول ۳- طبقات درآمدی خانوارهای روستاهای دارا و فاقد صنایع (واحد: هزار ریال)

نام روستا	۱-۱۰۰۰	۱۰۰۱-۲۰۰۰	۲۰۰۱-۳۰۰۰	۳۰۰۰ و بالاتر
روستاهای دارای صنایع	کاردیکلا	۰	٪۲۹/۴	٪۳۵/۳
	کاشی کلا	٪۵/۹	٪۲۹/۴	٪۵۲/۹
	درونکلاه شرقی	٪۸/۳	٪۵۰	٪۱۶/۷
	دراز کلا	٪۴/۸	٪۶۶/۷	٪۹/۵
روستاهای فاقد صنایع	پست کلا	٪۲۵	٪۵۶/۳	٪۱۸/۸
	لمسو کلاه غربی	٪۳۸/۵	٪۳۸/۴	٪۲۳/۱
	امیر کلا	٪۴۰	٪۶۰	۰
	شیردار کلا	٪۲۸/۶	٪۷۱/۴	۰

منبع: براساس اطلاعات مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

جدول ۴- مقایسه میانگین درآمد و هزینه خانوار در بین هشت روستای مورد مطالعه از طریق آزمون F / دانکن

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی (DF)	مجموع مربعات	منبع تغییر	متغیر
۰/۰۰۰**	۷/۰۸۳	۵۴۰۷۱,۱۰۲ ۷۶۳۴,۳۱۷	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۳۷۸۴۹۷,۷ ۸۹۳۲۱۵,۱ ۱۲۷۱۷۱۱۳	بین گروه ها درون گروه ها جمع	درآمد
۰/۰۰۶**	۳/۰۳۳	۶۶۲,۷۰۳ ۲۱۸,۴۹۵	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۴۶۳۸,۹۲۴ ۲۵۵۶۳,۹۲۴ ۳۰۲۰۲,۸۴۸	بین گروه ها درون گروه ها جمع	هزینه کالای مصرفی
۰/۰۱۰**	۲/۸۰۴	۱۶۳۹,۴۸۸ ۵۸۴,۷۳۲	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۱۱۴۷۶,۴۱۹ ۶۸۴۱۳,۷۰۹ ۷۹۸۹۰,۱۲۸	بین گروه ها درون گروه ها جمع	هزینه خوراکیها
۰/۰۰۴**	۳/۱۷۶	۷۷۰,۳۴۷ ۲۴۲,۵۴۳	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۵۳۹۲,۴۲۸ ۲۸۳۷۷,۵۷۲ ۳۳۷۷۰,۰	بین گروه ها درون گروه ها جمع	هزینه پوشاک
۰/۰۳۷*	۲/۲۲۱	۶۳۸,۴۳۱ ۲۸۷,۴۴۴	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۴۴۶۹,۰۱۹ ۳۳۶۳۰,۹۸۱ ۳۸۱۰۰,۰	بین گروه ها درون گروه ها جمع	هزینه های درمانی ، مسافرت و ...
۰/۰۰۰**	۴/۶۱۲	۱۶۲۰۸,۹۲۵ ۳۵۱۴,۸۱۱	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۱۱۳۴۶۲,۵ ۴۱۱۲۳۲,۹ ۵۲۴۶۹۵,۴	بین گروه ها درون گروه ها جمع	مجموع هزینه ها

\* معناداری در سطح ۰/۰۵      \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱      NS: عدم معنی داری

جدول ۵- گروه بندی هشت روستای مورد مطالعه از نظر درآمد و هزینه خانوار از طریق آزمون F / دانکن

متغیر روستا	درآمد	هزینه کالاهای مصرفی	هزینه خوراکیها	هزینه پوشاک	هزینه های درمانی ، مسافرت و...	مجموع هزینه خانوار
کاردیکلا	۲۹۱۰ (D)	۴۲۰ (BC)	۷۲۰ (BC)	۴۱۰ (C)	۳۷۰ (B)	۲۰۳۰ (C)
کاشی کلا	۲۴۸۰ (CD)	۴۴۰ (C)	۸۲۰ (C)	۴۰۰ (CD)	۳۵۰ (B)	۲۰۲۰ (C)
درونکلا شرقی	۲۰۳۰ (BC)	۳۲۰ (A)	۶۲۰ (AB)	۳۰۰ (ABCD)	۲۸ (AB)	۱۴۹۰ (AB)
دراز کلا	۲۰۱۰ (BC)	۳۸۰ (ABC)	۶۶۰ (ABC)	۳۶۰ (BCD)	۲۹۰ (AB)	۱۷۱۰ (BC)
پست کلا	۱۵۵۰ (AB)	۲۹۰ (A)	۶۱۰ (AB)	۲۹۰ (A)	۳۱۰ (AB)	۱۴۹۰ (AB)
لمسوکلا غربی	۱۶۱۰ (AB)	۳۲۰ (AB)	۶۱۰ (AB)	۳۵۰ (BCD)	۱۹۰ (A)	۱۴۲۰ (AB)
امیرکلا	۱۳۴۰ (AB)	۲۸۰ (A)	۵۳۰ (AB)	۲۵۰ (AB)	۲۶۰ (AB)	۱۳۴۰ (AB)
شیردارکلا	۱۲۲۰ (A)	۲۹۰ (A)	۵۱۰ (A)	۲۲۰ (A)	۱۹۰ (A)	۱۱۳۰ (A)

جدول ۶- مقایسه میانگین درآمد و هزینه خانوار در روستاهای دارا و فاقد صنایع با استفاده از آزمون t

متغیرها	عنوان گروه	t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
درآمد	A	۵,۱۰۲	۱۲۳	۰/۰۰۰**	۶۶,۰۵	۱۴۳,۱۸
	B	۵,۲۶۰	۱۱۳,۵۷	۰/۰۰۰**	۱۰۳,۵۵	۲۳۶,۵۶
هزینه کالاهای مصرفی	A	۳,۶۱۶	۱۲۳	۰/۰۰۰**	۱۱,۷۶	۲۹,۷۷
	B	۳,۶۸۸	۱۲۰,۹۳	۰/۰۰۰**	۱۵,۵۴	۳۸,۸۰
هزینه خوراکیها	A	۲,۸۲۲	۱۲۳	۰/۰۰۶**	۲۶,۲۱	۵۷,۱۲
	B	۲,۸۰۱	۱۱۵,۸۷	۰/۰۰۶**	۲۳,۶۲	۶۹,۷۰
هزینه پوشاک	A	۲,۹۲۷	۱۲۳	۰/۰۰۴**	۱۸,۲۸	۲۷,۹۳
	B	۲,۸۷۴	۱۰۶,۳۶	۰/۰۰۵**	۱۴,۰۸	۳۶,۴۱
هزینه های درمانی ، مسافرت و...	A	۲,۴۴۴	۱۲۳	۰/۰۱۶*	۱۶,۷۱	۳۲,۲۳
	B	۲,۴۵۲	۱۲۱,۷۰	۰/۰۱۶*	۱۷,۴۳	۳۲,۶۸

A: روستاهای فاقد صنایع B: روستاهای دارای صنایع ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱

یکی دیگر از مهمترین عواملی که سطح زندگی خانوارها را نشان می دهد، استفاده از کالاهای مصرفی بادوام است. قدر مسلم الگوی استفاده از کالاهای مصرفی با دوام و تغییرات آن می تواند تابع میزان درآمد و افزایش آن در یک مقطع زمانی باشد. بدین معنی که با افزایش درآمد و یا ایجاد درآمد جدید، الگوی استفاده از کالاهای مصرفی بادوام نیز دچار تغییرات اساسی خواهد شد (طاهرخانی، ۱۳۷۹، ۲۳۰). با چنین فرضیه ای به نظر می رسد تاسیس شهرک ها و نواحی صنعتی از طریق ایجاد فرصت های شغلی و افزایش درآمد به طور نسبی تأثیرات قابل قبولی در خرید کالاهای مصرفی بادوام بوجود آورد.

لذا به منظور تبیین و آزمون این ادعا، بررسی انواع کالاهای مصرفی بادوام که مبین سطح اقتصادی خانوارها است، از قبیل تلویزیون رنگی، ماشین لباسشویی، یخچال فریزر، کولر، ماشین سواری، کامپیوتر، مبلمان و جز آن در بین ۱۲۵ خانوار روستاهای دارا و فاقد صنایع مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت نتایج حاصل از این تحقیق به شرح ذیل است (جدول ۷).

جدول ۷- میزان مصارف کالا در بین خانوار روستاهای دارا و فاقد صنایع (درصد)

ردیف	کالای مصرفی	روستاهای دارای صنایع	روستاهای فاقد صنایع
۱	تلویزیون رنگی	۸۶/۵۶	۷۴/۱۳
۲	ماشین لباسشویی (خشک کن)	۳۴/۳۲	۵/۱۷
۳	یخچال فریزر	۷۶/۱۱	۲۵/۸۶
۴	کولر	۲۳/۸۸	۵/۱۷
۵	ماشین سواری	۳۸/۸۰	۸/۶۲
۶	کامپیوتر	۱۷/۹۱	۰
۷	مبلمان	۸/۹۵	۰

منبع: اطلاعات حاصل از مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

همانطوریکه در جدول شماره ۸ آمده مقایسه میانگین ها با استفاده از آزمون ناپارامتری یومان ویتنی نشان دهنده آن است که همه اقلام مصرفی بادوام که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری دارند. یعنی درصد خانوارهایی که اقلام مصرفی زیر را دارا هستند در روستاهای دارای صنایع به مراتب بیشتر از روستاهای فاقد صنایع است.

جدول ۸- مقایسه اقلام مصرفی خانوارها در روستاهای دارا و فاقد صنایع با استفاده از آزمون Mann-whitney

متغیرها	Mann-whitney	Wilcoxon w	Z	سطح معناداری
تلویزیون رنگی	۱۷۰۱/۵	۳۴۱۲/۵	-۱/۷۵۲	۰/۰۸۰NS
ماشین لباسشویی (خشک کن)	۱۳۷۶/۵	۳۰۸۷/۵	-۳/۹۸۹	۰/۰۰۰**
یخچال فریزر	۹۶۶/۵	۲۶۷۷/۵	-۵/۵۹۱	۰۰۰**
کولر	۱۵۷۹/۵	۳۲۹۰/۵	-۲/۸۹۴	۰/۰۰۴**
ماشین سواری	۱۳۵۶/۵	۳۰۶۷/۵	-۳/۸۸۲	۰۰۰**
کامپیوتر	۱۵۹۵/۰	۳۳۰۶/۰	-۳/۳۷۶	۰/۰۰۱**
مبلمان	۱۷۶۹/۰	۳۴۸۰/۰	-۲/۳۲۶	۰/۰۲۰*

NS: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱

پیامدهای اجتماعی - فرهنگی شهرک ها و نواحی صنعتی روستایی:

ترکیب سنی:

میانگین سنی در روستاهای دارای صنایع بسیار پایین تر از میانگین سنی در روستاهای فاقد صنایع است. عبارت دیگر در روستاهای دارای صنایع اکثر سرپرست های خانوارهای جزء جمعیت فعال محسوب شده و در گروه های سنی جوان و

میانسال قرار دارند، در صورتیکه اکثر سرپرست های خانوار روستاهای فاقد صنایع به ترتیب سالخورده و میانسال هستند که دال بر مهاجرت جوانان در روستاهای فاقد صنایع به دلیل بیکاری و مسائل و مشکلات اقتصادی می باشد (جدول ۹)

جدول ۹- طبقه بندی جمعیت فعال در روستاهای دارا و فاقد صنایع

بالاتر از ۷۰	۶۱-۷۰	۵۱-۶۰	۴۱-۵۰	۳۱-۴۰	زیر ۳۰	گروه های سنی	
%۵/۹	%۶	%۱۷/۶	%۲۹/۴	%۱۷/۶	%۲۳/۵	کاردیکلا	روستاهای دارای صنایع
%۵/۸	%۵/۸	%۶	%۲۹/۱	%۳۵/۳	%۱۷/۶	کاشی کلا	
%۸/۳	%۸/۵	%۸/۳	%۳۳/۳	%۱۶/۶	%۲۵	درونکلاه شرقی	
%۴/۸	%۱۹	%۱۹	%۱۴/۳	%۱۹/۱	%۲۳/۸	دراز کلا	
%۳۷/۳	%۱۸/۸	%۲۵	%۱۲/۵	%۶/۳	۰	پست کلاه	روستاهای فاقد صنایع
%۷/۷	%۳۰/۳	%۲۳/۲	%۲۳/۵	%۱۵/۴	۰	لمسو کلاه غربی	
%۱۳/۳	%۵۳/۳	%۲۰	۰	%۶/۷	%۶/۷	امیر کلا	
%۲۸/۶	%۲۱/۴	%۱۴/۳	%۷/۱	%۲۱/۴	%۷/۲	شیردار کلا	

منبع: کار میدانی، ۱۳۸۵

### مهاجرت

مهاجرت های روستا - شهری که پس از اصلاحات ارضی در ایران سرعت فزاینده ای به خود گرفته، هنوز یکی از بزرگترین معضلات کشور محسوب می شود به نحوی که هر ساله تعداد کثیری از جوانان روستایی برای یافتن شغل و درآمد به سوی شهرها مهاجرت می کنند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰، ۳۶). به منظور حل مساله مذکور یکی از مهمترین اهداف ایجاد شهرک ها و نواحی صنعتی افزایش ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرهاست. شهرک ها و نواحی صنعتی روستایی تأثیر کاملاً مثبتی بر مهاجرت روستاییان داشته و نه تنها ایجاد آنها مانع مهاجرت روستاییان شده بلکه موجب جذب افراد غیربومی اعم از سرمایه گذار، مهندس، تکنسین و کارگر شده است (مهندسین مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲، ۳۳۷).

جهت بررسی برآیند ایجاد شهرک ها و نواحی صنعتی در سطح مناطق روستایی شهرستان بابل از دیدگاه ماندگاری شاغلین و تداوم زندگی در روستای محل سکونت متاثر از ایجاد اشتغال جدید، ضمن توجه به انگیزه سرپرست خانوار میزان تمایل خانواده آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که نوع اشتغال درخانوارهای روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری را نشان می دهد، به نحوی که روستاهای کاشی کلا، کاردیکلا، دراز کلا و درونکلای شرقی که در کنار شهرک و نواحی صنعتی واقع شده اند، نه تنها جمعیت فعال خود را از دست نداده اند بلکه جاذب جمعیت هستند. نتایج بررسی ها نشان می دهد که حدود ۱۴/۹ درصد جمعیت روستاهای مذکور مهاجرند که به دلیل اشتغال در واحدهای تولیدی صنعتی در این روستاها اسکان یافته اند.

## رضایت شغلی

ایجاد اشتغال و متعاقب آن رضایت شغلی و ثبات درآمدی نیز از پیامدهای مهم صنعتی شدن روستاهاست و سبب افزایش میزان ماندگاری در روستا می گردد. نبود اشتغال مولد در روستا از دیدگاه بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی می تواند به عدم برخورداری از امنیت شغلی و نهایتاً به مهاجرت های روستایی منجر شود. بدین ترتیب یکی از مهم ترین اهداف توسعه شهرک ها و نواحی صنعتی روستایی ایجاد اشتغال مولد و پایدار جهت حصول به امنیت و رضایت شغلی روستاییان است. (مأخذ)

اطلاعات بدست آمده نشان دهنده آن است که خانوارهای روستاهای دارای صنایع از رضایت شغلی بالاتری برخوردار بوده و انگیزه ماندگاری آنان نیز به دلیل موقعیت شغلی بیشتر است و این امر در بین شاغلین بخش صنایع بسیار قابل توجه می باشد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- مقایسه رضایت شغلی، بیمه و انگیزه ماندگاری در روستاهای دارا و فاقد صنایع با استفاده از آزمون یومان ویتنی

متغیر	Mann-whitney	Wilcoxon w	Z	سطح معناداری
میزان رضایت از شغل	۶۷۹,۵	۲۹۵۷,۵	-۳,۳۷	۰/۰۰۰**
میزان استمرار و تداوم شغل	۳۹۱,۰	۲۶۶۹,۰	-۷,۸۹	۰/۰۰۰**
رضایت از بیمه	۱۲۲۲,۵	۲۹۳۳,۵	-۴,۱۳	۰/۰۰۰**
انگیزه ماندگاری سرپرست خانوار	۸۹۷,۵	۳,۷۲,۵	-۵,۱۲	۰/۰۰۰**
انگیزه ماندگاری همسر سرپرست خانوار	۱۰۹۶,۵	۳۳۷۴,۵	-۴,۳۳	۰/۰۰۰**
انگیزه ماندگاری فرزندان سرپرست خانوار	۱۱۴۲,۰	۳۴۲۰,۰	-۴,۰۳	۰/۰۰۰**

\*\*معناداری در سطح ۰/۰۱

## آموزش

اثرات آموزشی شهرک ها و نواحی صنعتی بر محیط روستایی را عمدتاً در زمینه آثار آموزشی غیرمستقیم می توان مورد ارزیابی قرار داد. به این ترتیب که ایجاد اماکن صنعتی در برخی از مناطق موجب افزایش مهارت های جدید و به تبع آن ارتقاء آگاهی حرفه ای شاغلین در این مناطق می شود. در ناحیه مورد مطالعه نیز ضمن اینکه اعضای خانواده از تحصیلات بالاتری برخوردار هستند، شاغلین بخش صنایع نیز دوره های آموزشی فنی اعم از برق صنعتی، مکانیکی، حسابداری و مانند آن را به مدت سه الی شش ماه طی کرده اند به نحوی که فراگیری دوره های آموزشی در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری را نشان می دهد (جدول ۱۵).

## مشارکت

از دیگر پیامدهای استقرار صنعت ایجاد انگیزه برای مشارکت های مردمی است که به صورت مشارکت مالی، یدی و مشورتی تجلی می یابد. مهم ترین اثر مشارکتی مردم در روستاهای مورد مطالعه در واگذاری زمین، تأمین آب، برق و سایر

زیرساخت‌ها قابل مشاهده است (مهندسين مشاور ورزبوم ۱۳۸۲، ۸۰-۳۶۷). براساس یافته‌های آماری می‌توان اذعان داشت که با افزایش درآمد روستایان، میزان مشارکت در جهت توسعه و عمران منطقه نیز افزایش می‌یابد. گرچه اکثریت خانوارهای روستایی چه در روستاهای دارای صنایع و چه در روستاهای فاقد صنایع دارای مشارکت اعم از مشارکت مالی، یدی و مشورتی هستند، ولی مقایسه میانگین‌ها در هشت روستای نمونه مبین آن است که میزان مشارکت در روستاهای دارای صنایع به مراتب بیشتر می‌باشد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین روستاهای دارا و فاقد صنایع از لحاظ مشارکت مالی و یدی با اطمینان ۹۹ درصد، تفاوت معناداری وجود دارد. در بین ابعاد مشارکتی، گرچه مشارکت مشورتی در روستاهای دارای صنایع بیشتر از روستاهای فاقد صنایع است اما از نظر آماری تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد (جدول ۱۱، ۱۲).

جدول ۱۱- نسبت مشارکت خانوار در روستاهای دارا و فاقد صنایع (درصد)

نوع مشارکت	نسبت مشارکت در روستاهای دارای صنایع	نسبت مشارکت در روستاهای فاقد صنایع
مشارکت مالی	۹۴/۰٪	۵۸/۶٪
مشارکت یدی	۵۹/۷٪	۳۲/۷٪
مشارکت مشورتی	۱۰/۴٪	۳/۴٪

منبع: اطلاعات از مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

جدول ۱۲- مقایسه شاخص‌های مشارکتی در روستاهای دارا و فاقد صنایع با استفاده از آزمون Mann-whitney

متغیرها	Mann-whitney	Wilcoxon w	Z	سطح معناداری
مشارکت مالی	۱۲۵۵/۰	۲۹۶۶/۰	-۴/۷۱۶	۰/۰۰۰**
مشارکت یدی	۱۴۱۹/۵	۳۱۳۰/۵	-۲/۹۹۷	۰/۰۰۳**
مشارکت مشورتی	۱۸۰۷/۰	۳۵۱۸/۰	-۱/۵۰۴	۰/۱۳۳NS

NS: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰/۱

#### ارتباط با رسانه‌ها، مطبوعات و جراید

مطبوعات و رسانه‌های جمعی اهمیت به‌سزایی در رشد آگاهی و اطلاعات مردم و بخصوص کشاورزان دارا می‌باشد که تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجلات و کتابها از مهم‌ترین و ملموس‌ترین آنها به‌شمار می‌آیند و به نظر صاحب‌نظران ارتباط روستاییان با این رسانه‌ها تاثیر زیادی بر آگاهی و بینش آنها خواهد داشت (ایروانی، ۱۳۸۱، ۲۴۴). نتایج حاصل از آزمون t در این تحقیق حاکی از آن است که میزان استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و همچنین مطالعه کتاب و مجلات و روزنامه در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری را نشان می‌دهد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳- مقایسه میانگین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در روستاهای دارا و فاقد صنایع با استفاده از آزمون t واحد: ساعت در هفته

متغیرها	عنوان گروه	t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
رادیو	A	۲,۸۳	۱۲۳	۰/۰۰۵**	۳,۱۷	۰/۸۹
	B	۲,۹۳	۱۰۶,۹۹	۰/۰۰۴**	۵,۶۰	۳/۲۵
تلویزیون	A	۲,۰۲	۱۲۳	۰/۰۴۵*	۱۱/۲۹	۲۳/۰۶
	B	۱,۹۹	۱۰۷,۸۳	۰/۰۴۹*	۸/۸۹	۲۶/۷۳
مطالعه روزنامه	A	۵,۰۰	۱۲۳	۰/۰۰۰**	۱,۱۱	۰/۲۵
	B	۵,۲۸	۸۶,۲۹	۰/۰۰۰**	۲,۹۹	۲,۳۴
مطالعه مجلات و کتاب	A	۳,۰۵	۱۲۲	۰/۰۰۳**	۱/۰۰	۰/۱۹
	B	۳,۲۸	۷۷,۲۱	۰/۰۰۲**	۳/۷۱	۱,۷۴

A: روستاهای فاقد صنایع B: روستاهای دارای صنایع ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱

### بررسی وضعیت تحصیلی

نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که گرچه بین میزان تحصیل سرپرست خانوار در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری وجود دارد ولی در مجموع میزان تحصیلات خانوار در روستاهای دارای صنایع زیاد بالا نیست. گفتنی است که میزان تحصیلات همسر سرپرست خانوار نیز در دو گروه مذکور با احتمال ۹۹ درصد تفاوت معناداری را نشان می دهد ولی بین تحصیلات فرزندان در دو گروه مذکور تفاوت معناداری وجود ندارد (جدول ۱۴، ۱۵).

جدول ۱۴- مقایسه میانگین میزان سواد در بین خانوار روستاهای دارا و فاقد صنایع با استفاده از آزمون t

متغیرها	عنوان گروه	t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
میزان سواد سرپرست خانوار	A	۶,۱۹	۱۲۳	۰/۰۰۰**	۳,۹۹	۲,۲۰
	B	۶,۳۱	۱۲۱,۰۲	۰/۰۰۰**	۵,۲۶	۷,۴۴
میزان سواد همسر سرپرست خانوار	A	۵,۲۷	۱۲۳	۰/۰۰۰**	۳,۲۹	۱,۷۷
	B	۵,۴۴	۱۱۲,۲۹	۰/۰۰۰**	۵,۲۹	۶,۰۱
میزان سواد فرزندان	A	۰,۵۶۹	۱۲۳	۰/۰۵۷ns	۱۰,۲۴	۵,۹۸
	B	۰/۰۵۹	۸۰,۴۵	۰/۰۵۵ ns	۱۲,۵۵	۷,۰۱

A: روستاهای فاقد صنایع B: روستاهای دارای صنایع ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱

### خدمات بیمه ای

با ایجاد شهرک ها و نواحی صنعتی کارکنان واحدهای تولیدی تحت پوشش بیمه های بهداشتی و درمانی و بویژه تأمین اجتماعی قرار گرفته اند و براساس مقررات موجود بیمه نمودن کلیه کارکنان واحدهای تولیدی الزامی است. بر اساس



مطالعات انجام شده حدود ۸۷/۵ درصد شاغلین در بخش صنایع در جامعه نمونه تحت پوشش بیمه قرار دارند. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که حدود ۶۴/۲ درصد خانوارهای روستاهای دارای صنایع از خدمات بیمه ای برخوردارند در صورتیکه فقط ۱۴ درصد خانوار روستاهای فاقد صنایع تحت پوشش بیمه هستند. این آمار برای تمامی امور بیمه ای اعم از درمانی، بازنشستگی، از کارافتادگی، حوادث و تکمیلی مصداق دارد.

### کیفیت مسکن

تأثیر ایجاد نواحی و شهرک‌های صنعتی در مناطق روستایی بر کیفیت مساکن روستایی را از دو جهت می‌توان مورد توجه قرار داد. نخست آن که ساختمان‌هایی که با مصالح مرغوب و کیفیت مهندسی در این مناطق ایجاد می‌شوند روستاییان با الگوبرداری در ساخت و ساز واحدهای مسکونی خود از آن پیروی خواهند کرد. دوم آن که با افزایش درآمد روستائیان، استفاده از مصالح بادوام در ساخت مسکن عمومیت پیدا خواهد کرد.

ایجاد هر ناحیه صنعتی در مناطق روستایی الزاماً همراه با گسترش خدمات زیرساختی نیز همراه است. راه مناسب، شبکه انتقال برق و مخابرات، مؤسسات خدماتی حمل و نقل و مانند آن از پیش نیازهای ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی بوده و تبعاً ساکنین روستایی پیرامونی این نواحی نیز از این مزایا بهره‌مند می‌شوند (مهندسين مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲، ۳۸). براساس مطالعات انجام شده در این تحقیق این امر برای روستائیان جامعه نمونه کاملاً مصداق دارد و علاوه بر تفاوت های موجود بین کیفیت مسکن، مساحت آن در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. (جدول ۱۵)

جدول ۱۵-مقایسه میانگین دوره های آموزشی، تحصیلات و مساحت مسکن در بین خانوار روستاهای دارا و فاقد صنایع با استفاده از آزمون t

متغیرها	عنوان گروه	t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
فراگیری دوره های آموزشی (روز)	A	۳,۸۸۳	۱۲۳	***	۰/۰۰	۰/۰۰
	B	۴,۱۷۵	۶۶,۰	***	۰/۳۹	۰/۱۹
میزان تحصیلات (سال)	A	۶,۱۹۶	۱۲۳	***	۳,۹۹	۲,۲۰
	B	۶,۳۱۸	۱۲۱,۰	***	۵,۲۶	۷,۴۴
مساحت مسکن (متر مربع)	A	-۲,۳۶	۱۲۳	*۰/۰۱۹	۱۹,۴۷	۷۶,۷۲
	B	-۲,۴۰	۱۲۲,۳۹	*۰/۰۱۸	۲۴,۱۸	۸۶/۱۱

A: روستاهای فاقد صنایع B: روستاهای دارای صنایع Ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱

### نتیجه گیری و پیشنهادات

صنایع کوچک روستایی از بخش های مهم اقتصاد ایران است که مورد توجه سیاستگذاران، برنامه ریزان و مردم می باشد. این صنایع قابلیت بالایی در رفع مشکل بیکاری، توزیع عادلانه درآمد و کاهش شکاف مناطق شهری و روستایی داراست.

در تحقیق حاضر بمنظور بررسی و ارزیابی تبیین جایگاه استقرار صنعت در روستا در قالب شهرک ها و نواحی صنعتی روستایی با در نظر گرفتن اهداف معین توسعه اقتصادی و اجتماعی روستایی، برحسب مورد سه شهرک و دو ناحیه صنعتی شهرستان بابل مورد مطالعه و آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که اکثر شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی اعم از الگوی مصرف (خوراک، پوشاک و کالاهای مصرفی بادوام، وضعیت مسکن، بیمه، رضایتمندی و امنیت شغلی، میزان تحصیلات و آموزش های تخصصی، انگیزه ماندگاری روستاییان در جامعه نمونه (روستاهای دارا و فاقد صنایع) تفاوت معنی داری را نشان داده و بر این اساس فرضیه H1 مبنی بر اثرگذاری مثبت شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا تائید می شود. لذا در راستای کاهش فقر روستایی، افزایش فرصت های شغلی، تأمین حداقل خدمات عمومی و خودکفایی در جهت حصول به تولید و اشتغال پایدار، امنیت غذایی، عدالت و ثبات اجتماعی، زندگی مطمئن و مشارکت پذیر با اتکا به صنایع روستایی باید اهتمام ورزید.

#### منابع و ماخذ

- ۱- ابروانی، هوشنگ، (۱۳۸۱)، مدل‌های منظم توسعه پایدار کشاورزی و ترویج و آموزش و پرورش، وزارت جهاد کشاورزی
- ۲- حیدری، ایوب، (۱۳۸۱)، توسعه و موانع توسعه در ایران، گفتمان
- ۳- طاهرخانی، مهدی، (۱۳۸۰)، نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی، نواحی صنعتی روستائی در استان مرکزی)، فصلنامه پژوهش های جغرافیائی دانشگاه تهران.
- ۴- طاهرخانی، مهدی، (۱۳۷۹)، نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستائی (مطالعه موردی، نواحی صنعتی روستائی در استان مرکزی)، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- کاسترو، فیدل، (۱۳۶۵)، بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، ترجمه غلامرضا نصیرزاده، نشر امیرکبیر
- ۶- کلاتری، خلیل، (۱۳۸۰)، برنامه ریزی و توسعه منطقه ای (تئوری و تکنیک ها)، خوشبین و انوار دانش
- ۷- مهندسین مشاور ورزبوم، (۱۳۸۲)، مطالعه، ارزیابی و نقد عملکرد ۱۷۰ ناحیه صنعتی کشور، جلد اول، مباحث نظری نواحی روستائی در جهان و ایران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، دفتر امور صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی.
- ۸- مهندسین مشاور ورزبوم، (۱۳۸۲)، مطالعه، ارزیابی و نقد عملکرد ۱۷۰ ناحیه صنعتی کشور، جلد دوم، تشخیص و تحلیل وضع موجود و تنگناها، محدودیت ها و مشکلات، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، دفتر امور صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی .
- ۹- مهندسین مشاور ورزبوم، (۱۳۸۲)، مطالعه، ارزیابی و نقد عملکرد ۱۷۰ ناحیه صنعتی کشور، جلد سوم، راهبردها، سیاست ها و برنامه های اجرائی، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، دفتر امور صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی.

- ۱۰- مطیعی لنگرودی، سید حسن، (۱۳۸۰)، اثرات اقتصادی - اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستائی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی مشهد)، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی.
- ۱۱- مطیعی لنگرودی، سید حسن، (۱۳۸۲)، برنامه ریزی روستائی با تاکید بر ایران، جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۱۲- مطیعی لنگرودی، سید حسن، مرادی، محمود، (۱۳۸۴)، جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستائی بخش مرکزی شهرستان بیرجند، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیائی.
- ۱۳- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، (۱۳۷۸)، تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری‌های صنعتی جهت تقویت مزیت‌های نسبی صادرات صنعتی، مجری طرح مسعود هاشمیان اصفهانی
- ۱۴- نجفی کانی، علی اکبر، (۱۳۸۵)، نقش شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستائی از دیدگاه توسعه پایدار، (مطالعه موردی: شهرک‌ها و نواحی صنعتی شهرستان بابل)، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- ۱۵- وزارت صنایع و معادن، (۱۳۸۴)، شرکت شهرک‌های صنعتی استان مازندران، دفتر آمار و اطلاعات.
- ۱۶- وزارت جهاد کشاورزی، (۱۳۸۴) سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران، دفتر نواحی صنعتی.
- 17- Misra; R.P and Achyuta; RN.(1990) Micro-level rural planning: principle; methods and case study; concept publishing company; New delhi.
- 18-UNIDO (1984) The role of small and medium scale industries in OIC member states; No.9
- 19-UNIDO. (1991).Industry and Development. Global report.
- 20-Abraham.T.(1994).Rural industries and rural industrialization in developing economy; India experience. Journal of rural reconstruction.
- 21-Hag.M.T.(1979). Industrialization in relation to integrated rural development with reference to Bangladesh; industry and development. No.4
- 22-Nayak.U.S.(1994). Rural industrialization' M.D. publication pvt.NewDelhi' India
- 23-Shin.J.t.1985'Decentralized industrialization and rural Non. Farm Employment in Taiwan' Association of development Research and Training institutes of Asia and The posific.
- 24-Rogers' david ' 1978' Industrialization in com Benefits and the Rural community' Rural Sociology. vol. 43
- 25-http/www.Babol. ir. 2005
- 26- http//: www.Mazandiec. Ir. 2006.